

متن پرسش

ضمن سلام و احترام. استاد بزرگوار ، سؤال کوتاه اما خیلی جدیه. تا الآن عطش کسب معرفت داشتم و به خاطر تکلیف دینی ، از دانشگاه به حوزه آمدم و خداوند علاقه ی آن را هم در من ایجاد کرد. سؤال اساسی و جدی من اینه که با توجه به روش هایی که امروزه اومده و نیم کره ی راست مغز را فعال می کند مثل فراخوان و موارد مشابه ، کسب معرفت و گذراندن سطوح مقدماتی و عالی حوزوی و ... را می توان نهایتا دو سه ساله گذراند ، لذاست که سقوط پایه های نظام آموزشی امروزی و به طور کلی سیستم کارشناس پروری امروزی چه سیستم حوزوی چه دانشگاهی به عینه مشاهده می شود. و به اندازه ای که سیستم ها حفظ محور تر باشند بیشتر نابودی آنها دیده می شود. سؤال جدی و اساسی بنده این است که الآن که رفتن به متاریدینگ و امثالهم اپیدمی شده و عالم یا دانشمند بودن به معنای مصطلح امروزی ، زیر سؤال می رود برای تمدن آینده باید سراغ چه چیزی برویم؟؟؟ ظاهرا یکی دو ساله با این سیستم کسی می تونه مجتهد یا دانشمند بشه ، واقعا ما سراغ چه کاری بریم که بعد از فروپاشی نظام های حفظ محور ، جایی برای کار کردن در انقلاب داشته باشیم ؟ هم به لحاظ توانایی خودمان هم به لحاظ جایگاه اجتماعی. صدای لرزه ی پایه های نظام لیبرالیسم غربی با تمام ابعادش به گوش می رسه. نظام آموزشی غربی داره منهدم میشه. چه کنیم که عقب نمانیم ؟ به غیر از ارتباط با خدا و تقویت رابطه ی حضوری و حقیقی با خدا ، دنبال چه کاری بریم که در تمدن آینده ی بشر جایگاه داشته باشیم و بتوانیم گره های کور انقلاب به سمت ظهور حضرت مهدی (عج) را بگشاییم؟؟؟؟ چه کاری ما را از دیگران جلو می اندازد برای کارکردن برا انقلاب؟؟ حتی اعتبار مدارک دانشگاه یا حوزوی هم زیر سؤال خواهد رفت . حقیر واقعا نابودی نظام آموزشی(دانشگاه بیشتر از حوزه) کنونی را مقابل خود می بینم. خیلی خیلی متشکرم از توجه و پاسختون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از ابتدایی که در فضای فرهنگ غرب پژوهش جای اندیشیدن را گرفت و به جای تلاش برای کشف سنت‌های جاری در عالم با آزمون و خطاهای علم تجربی خواستند بر طبیعت مسلط شوند، معلوم بود کار به این‌جاها کشیده می‌شود ولی این ربطی به مراکز حوزوی ندارد که در فقه قدرت تربیت مجتهد را دارد و ماوراء مجموعه‌ی اطلاعات، راه‌های فهم و کشف تکلیف مکلف را در این زمان به عهده دارد و در حکمت و عرفان نظر به حقایق وجودی عالم دارد و درصدد تحقق تمدنی است که به جای جمع کثرات عالم ناسوت، جامعه را باید با ملکوت آشنا کند و در منظر آن نوعی دیگر از

زندگی را قرار می‌دهد. این‌هایی که متذکر شده‌اید همه دلیل بر آن است که به قول هیدگر تمدنی که با تفکر ریاضی و جمع کمیت‌ها شکل بگیرد از درون متلاشی می‌شود، تلاش آن تمدن به همین است که به ضدّ خود تبدیل می‌گردد. موفق باشید